

طرح سیاهاکاریهای تازه در کردستان

ماهها فوای مسلح در کردستان بنامند و حشمتین قنوی اشغالی عمل کرده مردم بیسلاح و بی پناه دهکده های "مظنون" را زیر آتش بجهای ناپالم گرفتند...

سپس دادگاههای فرمایشی نیز وارد عمل شدند تا بسپار کاربها صحنه بگذارند. آستانبوسان شاه در سازمان امنیت درواز چشم خلق در سایه چوبه های اعدام در رجا تیکه صدای داد...

جای بسی امیدوارست که عده ای از جوانان مبارز کرد به این حقایق رسیده و در کار سازمان مارکسیستیا - لنینیت هم به احیا حزب طبقه کارگر ایران همت گماشته اند...

شاه بر ضد خلق های هندوپاکستان

رانگبید اشتبا با تکیه بر همین "تحریکات" توانست در برابرتها با بایستد و از آنگاه که با وساطت روزبونیستهای شوروی و بسیار توصیه امپریالیستهای امریکائی قرار داشت...

طرح تشکیل کنفرانس را مدفون ساختند - اعلام داشتند که کهنه مشورتی برای تدارک کنفرانس نخستین دوره اجلاس خود را در فوریه ۱۹۶۸ در برود است تشکیل خواهد داد...

این برخورد ها و کم کم کشیا که طی سالهای متعادی بر روی آنها داشته شده نمیتواند بیکار بدست فراموشی سپرده شود و تشکیل کنفرانس و آنطور که بیک ایران مدعی است نشانه وحدت اردوی روزبونیست باشد...

رویزونیستهای شوروی که بویژه پس از تجاوز بچکسلواکی و مداخله صریح و علنی در امور حزب و دولت آن بسود مقاصد خویش در دنیای روزبونیست نیز گرفتار انفراد و انزوا گشته اند...

یاد در بیگانه تورهان سرنگین شده بر محمد رضا شاه خوش آیند نیست - مخبر روزنامه هندی "پلیتز" که مباحثه با وی (۱۹ فوروردین) مسئله پاکستان و سقوط ایوب خان را پیش کشید باین نکته توجه نداشت...

وی در پاسخ مخبر هندی مکتوب کرد: "روی کار آمدن یحیی خان یا سخن بوده است بصورت یک دولت نیرومند و کار دار برای جلوگیری از تحریکات" وی جنبش خلق پاکستان را که برای رهائی...

تعمیق انشعاب در زیر شعار وحدت

اجتماع سران احزاب روزبونیست که روز روشن در مسکو آغاز گردید کام دیگری در راه تلاشی و نیستی دنیای روزبونیست است...

زمنه دربار تشکیل کنفرانس احزاب کونیست و کارگری از سال قبل شروع شد - هدف خروشوف از تشکیل آن این بود که حزب کونیست چین و حزب کار آلپانی را که در مواضع مارکسیسم لنینیسم محکم ایستاده و شجاعانه بدفاع از آنها برخاسته بودند...

پس از این شکست روزبونیستهای شوروی ترجیح دادند خود مستقیما در این کار پیشقدم نگردند و با دست گماشتگانی نظیر نورتنی یرویک و گادارووی پیکران موضوع را از نو مطرح سازند...

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

باز هم در باره

سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب

اپورتونیسیم راست و چپ اگر چه در ظاهر مشی متضادی را دنبال میکنند ولی هر دو در واقع نتیجه و احدی میسند که بسود بورژوازی است.

در اوضاع و احوال کنونی از مظاهر اپورتونیسیم چپ در ایران عدم اعتقاد باحیاء یا حتی ایجاد حزب طبقه کارگر برای رهبری مبارزه انقلابی است و این همان چیزی است که روزیونیستهای حزب توده ایران خواهان آنند تا خود بتوانند بدون آنکه نتایج سازشکاری و ضدانقلاب از چهره آنها برگزیده شود همچنان خود را بجای حزب طبقه کارگر جا بزنند و توده های مردم را به دنبال زمامداران رژیم گردانند و بکشانند.

از مظاهر اپورتونیسیم چپ باز هم این پندارواهی است که سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک محتوم است و امکان اینکه طبقات غیر پرولتاریائی بتوانند رهبری انقلاب را بدست آورند کویا مطلقاً منتفی است. این حکم که در هر شرایطی سرکردگی انقلاب طبقه کارگر را مسلم است در واقع طبقه کارگر را متلاطم بخاطر احراز سرکردگی در انقلاب باز میدارد. این هم اپورتونیسیم چپ که بظاهر خیلی هم "انقلابی" است در واقع رهبری انقلاب را بر بورژوازی یا خرده بورژوازی وامیکند و همان حکمی که روزیونیستهای حزب توده سالهاست بسود بورژوازی بآنها چسبیده اند.

سازمان توفان در سندی که بضمیمه شماره ۲ تحت عنوان "وظایف توری و مردم مارکسیست - لنینیستهای ایران" انتشار داده با صراحت کامل درباره مرحله انقلاب و سرکردگی انقلاب اظهار نظر کرده است. در آنجا چنین میخوانیم:

"انقلاب ملی و انقلاب دهقانی ... در وظیفه اساسی است که باید طی مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک انجام گیرد بدون آنجا که این دو وظیفه که در مرحله سوسیالیستی انقلاب ممکن نیست، برای آنکه این مرحله از انقلاب با موفقیت کامل پایان یابد و شرایط گذار به مرحله سوسیالیستی فراهم آید رهبری پرولتاریا در انقلاب ایران ضروری است. بدون رهبری طبقه کارگر انقلاب بهدفعهای خود دست نخواهد یافت و در سیر راه خواهد افتاد و لذا باید گفت که انقلاب ایران در مرحله انقلاب دمکراسی نوین یعنی مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک بر رهبری طبقه کارگر است. ضرورت رهبری پرولتاریای ایران در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک بمعنای آن نیست که همونی پرولتاریا خود بخود تحقق خواهد یافت بلکه این معنی است که پرولتاریای ایران ... باید بگردد در عمل انقلابی بر رهبری خود تحقق بخشد. کوشش و تلاش پرولتاریا در تحقق رهبری خویش در انقلاب عامل اساسی است. کافی نیست طبقه کارگر بصورت ولزم رهبری خود بی برد یا آنرا اعلام کند برای آنکه همونی او به مرحله عمل در آید. هرگاه پرولتاریا از راه سازمان سیاسی خود کوشش و تلاش لازم را در انجام این وظیفه نآویخت خود بیخود نهد چه بسا طبقات و قشرهای غیر پرولتاریائی همونی انقلاب را بدست گیرند و انقلاب را از مسیر اصلی منحرف ساخته و میرا هد کشانند." (تکیه روی کلمات در متن همین اندیشه مانند خط قرمز در تمام نوشته های توفان کشیده شده است. به تشریح "روزیونیسیم در تئوری و عمل" مراجعه کنید:

"اولاً - کشور منبنا در مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک بسرکردگی طبقه کارگر است.

ثانیاً - این حکم مانند احکام اجتماعی دیگر بآن معنی نیست که بدون تلاش و کوشش طبقه کارگر (از راه حزب خود) میتوان بدست تحقق بخشید. برعکس اگر چنین تلاشی بعمل نیاید یا کوششی طبقه کارگر بموفقیت نینجامد سرکردگی انقلاب بدست عناصر غیر پرولتاریائی خواهد افتاد.

ثالثاً - سرکردگی طبقه کارگر انقلاب ملی و دمکراتیک را تنها پایان پیروز خواهد گردانید و راه را برای گذار به سوسیالیسم خواهد گشود. از اینجا میتوان به اهمیت عظیم سرکردگی طبقه

کارگر در انقلاب بی برد. (صفحه ۸۶-۸۵) (تکیه روی کلمات از ماست)

"هرگاه بورژوازی توفیق یابد سرکردگی انقلاب را بدست خود گیرد بعلمت آنکه از لحاظ اقتصادی و سیاسی دارای موقعیت ضعیفی است بناچار نوسان میکند، تزلزل نشان میدهد و انقلاب به پایان نمیرسد یا بعبارت دیگر مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک پیورده نمیشود و کشور ما باز هم بصورت کشور وابسته باقی خواهد ماند. این حکم تاریخ است که مرحله انقلاب ملی و دمکراتیک در دنیای حاضر فقط تحت رهبری پرولتاریا پیورزی کامل میانجامد" (ص ۸۱) (تکیه روی کلمات از ماست - توفان)

این احکام بدون تردید درست و در انطباق کامل با مارکسیسم و لنینیسیم و اندیشه مائوتسه دون است. بآثار رفیق مائوتسه دون مراجعه کنید:

"این انقلاب کشور های مستعمره و نیمه مستعمره در نخستین دوره در نخستین مرحله ... در رهبری پرولتاریا قرار دارد." (درباره دمکراسی نوین بخش ۲)

در موضوع و برنامه انقلاب اینطور مینویسد:

"گذار از تفوق بورژوازی بتفوق پرولتاریا یک پروسه طولانی مبارزه است و مبارزه بر سر سرکردگی که فرجام آن وابسته خواهد بود به فعالیت حزب کمونیست بخاطر بالا بردن درجه آگاهی و تشکل پرولتاریا و دهقانان و خرده بورژوازی شهری ... (تکیه بر روی کلمات از ماست - توفان)

دهقانان متحد استوار پرولتاریا هستند و پس از آن خرده بورژوازی شهری - بورژوازی بخلاف و عقب ما در مبارزه بخاطر سرکردگی است" (تکیه بر روی کلمات از ماست - توفان)

"برای غلبه بر نوسانات و ناپایداری کبوری بورژوازی باید بر نیروی توده های خلق تکیه کنیم و سیاست صحیحی را دنبال کنیم. در غیر اینصورت بورژوازی بر پرولتاریا دست خواهد یافت" (تکیه بر روی کلمات از ماست) (توده های میلیون ها باه جبهه متحد ملی ضد ژاپنی چلیکیم)

"بعلاوه از آنجائی که وضع بین المللی مساعد است به احتیاط

قوی چین سرانجام در انقلاب بورژوازی دمکراتیک خود از برنامه های سرمایه داری دوری خواهد جست و بد برنامه های سوسیالیسم تحقق خواهد بخشید" (انقلاب چین و حزب کمونیست چین - بخش ۱)

این سطور را رفیق مائوتسه دون هنگامی بر روی کاغذ میآورد که طبقه کارگر چین دارای یک حزب سیاسی وزینده مآزوده و

آید و رهبر کبوری همچون مائوتسه دون بوده است، هنگامی مینویسد که خلق چین دارای ارتش توده ای نیرومندی بوده است

که قریب ۱۰ سال تجربه جنگ توده ای را در پشت سر دارد و هنگامی مینویسد که مناطق آزاد شده و پایگاههای انقلابی وسیعی در اختیار خلق چین است که در آنها قدرت توده ای برقرار

گردد. است، هنگامی مینویسد که حزب کمونیست چین از پشتیبانی ده ها بلکه صد ها میلیون مردم چین برخوردار است.

معذک هنوز بورژوازی را "رقیب در مبارزه بخاطر سرکردگی" می شمارد. برآنتست که فرجام مبارزه بر سر سرکردگی "وابسته خواهد بود به فعالیت حزب کمونیست بخاطر بالا بردن درجه آگاهی

تشکل پرولتاریا و دهقانان و خرده بورژوازی شهری" و چنانچه بر نیروهای خلق تکیه کنیم و سیاست صحیحی را دنبال نکنیم

"بورژوازی بر پرولتاریا دست خواهد یافت"

اما اکنون کسانی در شرایط کنونی کشور ما و در شرایطی که طبقه کارگر هنوز فاقد حزب سیاسی انقلابی خویش است، مدعی

آندند که اگر سازمان سرکردگی طبقه کارگر را در انقلاب بدون تلاش و کوشش این طبقه امکان پذیر نمیدانند اگر سازمان توفان برآنتست که بدون تلاش و کوشش پرولتاریا سرکردگی انقلاب بدست

عناصر غیر پرولتاری خواهد افتاد این نشانه عدم اعتقاد این سازمان بسرکردگی طبقه کارگر ایران در انقلاب ملی و دمکراتیک

نشانه "روزیونیسیم" در این سازمان است.

اگر بخواهیم مسئله را نه در تئوری بلکه در واقعیت بررسی کنیم نمونه الجزیره در برابریدکان ماست. خلق الجزیره بخاطر استقلال و آزادی علیه امپریالیسم فرانسه بیاحتیاست و با هیازره مسلحانه استقلال خویش را بدست آورد. اما طبقه کارگر الجزیره بعلمت آنکه حزب کمونیست از مبارزه انقلابی روی گردانید و توفیق نیافت رهبری انقلاب را عهده دار شود. از این جهت انقلابی سرکردگی در الجزیره انجام یافت انقلاب دمکراتیک نو نیست.

در راس جمهوری اندونزی (پیش از کودتای نظامی) که بدست دولت دمکراتیک ملی بشمار میرفت بورژوازی ملی آن کشور قرارداد این نمونه هلاکی از این واقعیت است که امکان اینکه انقلاب

ملی و دمکراتیک در شرایطی زیر رهبری طبقه کارگر صورت پذیرد بهیچ وجه منتفی نیست. در ایران برای آنکه سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب تاحین گردد باید قبل از هر چیز حزب پیش

آهنگستان انقلاب این طبقه را احیاء کرد پس از آن حزب باید بتواند با مشی و سیاست و شعارهای صحیح توده های دهقان

و کارگر و خرده بورژوازی شهر را بسیج کند و مبارزه انقلابی بشکند و آنها را بدستی تانبل پیورزی رهبری کند متنها در

چنین شرایطی سرکردگی انقلاب بدست طبقه کارگر می افتد. اما باید از بخرنجی و دشواری چنین مبارزه ای مطلقاً غافل نبود

برای آنکه از هم اکنون امکان رهبری انقلاب را توسط طبقات دیگر (بورژوازی ملی و خرده بورژوازی) بکلی منتفی دانست بدیهی

است با افتادن سرکردگی انقلاب بدست طبقات غیر پرولتاریا مرحله انقلاب پایان نمیباید و ایران همچنان در مرحله انقلاب دمکراتیک

نوبتی خواهد ماند که بپایان رسانیدن آن رسالت تاریخی طبقه کارگر است.

شاه بر ضد خلفهای ... بقیه از ص ... بنگال غریب خوا همی داشت. بسیار بر معنی است که محمد رضا شاه در پایان چنین

درباره نهضت های انقلابی بنگال شرقی و غریب و امکان در این

آنها میگوید: "چنین تئورزی نه بمتفق سکو خواهد بود و نه وا شنگین بلکه فقط یکی از این سرود خواهد بود." اینکسنا فاع

مک و واشنگتن در یکسر و منافع یکن و خلق هند و پاکستان در سوی دیگر قرارداد "طلب پنهانی نیست. ولی اینکه محمد رضا

شاه برای حفظ این منافع درگاهه صریحاً سنگ بسینه میزند نشانه آنست که حکومت وی امروز گره گاه اتحاد شوم امپریالیسم امریکا

و روزیونیسیم شوروی در ایران است. مبارزه با رژیم محمد رضا شاه از مبارزه با امپریالیسم امریکا و روزیونیسیم شوروی جدا نیست.

امپریالیستها و روزیونیستهای جمهوری توده ای چین این تئورزی

استوار سوسیالیسم را دشمن شماره یک خویش بشمارند بر ضد وی بدستاسن نهان و آشکار دست میزنند از اشغال خاک این جمهوری

و حمله بر آن خودداری ندارند از ایران زشت ترین افتراات و توسل بیوسیده ترین سلاحهای ارتجاعی مانند "خطر ترازورد

باز نمایستند. روزیونیستهای ایران نیز هو و جنجال آنها را انعکاس میدهند و مطبوعات و رادیوی خود را در خدمت میتدل تئورزی

تبلیغیات ضد چینی میگذارند. اینکه محمد رضا شاه نیز صریحاً صدای خود را بهما هکنی با آنها بلند کرده است. روزیونیسیم

های ایران در استراتژی عمومی امپریالیسم و روزیونیسیم که منفرد ساختن جمهوری توده ای چین است با محمد رضا شاه در یک صف

حرکت میکنند. حوادثی که در کشورهای مایگردد نشانه ای از نیروی رفیق

افزون نهضت خلق و ناتوانی طبقات ارتجاعی در منطقه توفانها است. آنچه در برخی از مساله این منطقه از طرف امپریالیست

ها ثبات سیاسی نایسود میشود صورتی بیش نیست که در برابر تکان های عمیق اجتماعی تاب پایداری ندارد. ملک فیصل و مندوس

ایوب و محمد رضا شاه از فنای ناگزیر نگریخته و نخواهند گریخت قیامهای توده ای در هند و پاکستان از آینده ای روشن خبری

دهد و بخلق ایران در رستاخیز عظیم بر ضد کودتا و حاکمان امپریالیست و روزیونیسیت آن الهام میبخشد.

از خوانندگان گرامی خواهش میکنم در شماره ۲۱ توفان صفحه اول ستون سوم سطر ۴ را چنین بخوانند: "در چنین شرایط فقط روزنامه مخفی میتواند بصورت زبان آزاد و بی بند خلق انتشار یابد"

پیروز باد جنگ توده ای خلق قهرمان ویتنام

خوانندگان گرامی!

برای ادامه حیات ماهنامه توسان - این یگانه زبان مارکسیست لنینیست های ایرانی - که تاکنون بهمت اعضا و هواداران سازمان وعده ای از خوانندگان چرخیده و لازم است همه خوانندگان همنه هواداران همه اعضا سازمان توسان به پشتیبانی مالی وی بشتابند .

کتاب به توسان کمک باشاه مارکسیسم - لنینیسم، کمک بانقلاب ایرانست . از این جهت مصمانه بیاری توان بشتابیم .

جنبش دانشجویی ... بقیه از سر باید جنبش دانشجویی را نیروی صهی بشمار آورند و بکشند که این جنبش به درک مارکسیستی - لنینیستی برسد و زیر رهبری حزب پرولتری را بید بطوری که این هردو در مبارزه با ما شین دولت بورژوازی نیروی واحدی را تشکیل دهند . رفقای مارکسیست - لنینیست بساید نزدیک ترین پیوند را با دانشجویان برقرار کنند آنها را متشکل سازند آنها را رهبری کنند و آنها را با تجارب انقلابی خویش آشنا گردانند . کلیه روزیونیستها و سوسیال دموکراتها و کلیسه نیروهای ارتجاعی نومیدانه میکشند که جنبش دانشجویی را از طبقه کارگر جدا کنند . حوادث سال ۱۹۶۸ نشان داد که آگاهان که این جنبش متحد شوند نیروی انقلابی عظیمی بوجود می آید هرگاه این دو نهضت تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست متحد شوند و بر نقش انقلابی خویش آگاه گردند و بهایه ارتش واحد پرولتاریا بعیدان بیکار کام گذارند و مصمم بهبر کوفته اداری باشند قدرت بورژوازی و سلطه امپریالیسم بهایه خواهد آمد . ترجمه از " هومانیه سرخ " شماره ۲۹ ۱۹۶۹

انتزاع سوسیالیسم

" انتزاع سوسیالیسم حقیقی یکی است و جز آن نیست نه توسعه جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشور خویش بید ریخ هت گامش و از همین مبارزه همین سیاست ، و فقط از آن در کلیه کشورها بدون استثنا (بسویله تبلیغات ابراهم وردی و کمک مادی) پشتیبانی کردن "

لنین

حفاظی را اثار نشدید . بقیه از سر - مبارزه ایدئولوژیک که همیا حزب است یک مبارزه آگاهانه است و اگر برای کلیه اعضا حزب روشن نباشد که چه ایدئولوژی بر حزب حاکم است چگونه میتواند مبارزه ایدئولوژیک آگاهانه انجام دهند .

ولی در " کتاب سیاه " درباره حزب توده ایران چنین نوشته شده است : " کتابهایی که در حوزه ها خوانده میشد عبارت بودند از تاریخ تمدن (منظور تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی است که حزب توده ایران مخفیانه بچاپ رسانیده برای مخفی داشتن آن بر پشت جلدش " تاریخ تمدن " نوشته بود - تذکر نویسنده مقاله) ، " اصول لنینیسم " نوشته استالین ، " اصول کمونیسم " نوشته انگلس ، " ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی " نوشته استالین ، " چه باید کرد ؟ " نوشته لنین ، " یک کام بهیمن دو کام به پس " نوشته لنین ، " مزد ، بهایه سود " نوشته کارل مارکس ، " مانیفست کمونیست " نوشته مارکس و انگلس ، " عرض دوسکی کمونیسم " نوشته لنین و نظائر آنها " ، " بطور کلی نود و صد کتابهای تعلیماتی حزب منحل توده ترجمه آثار رهبران کمونیسم مانند کارل مارکس و فردریک انگلس و لنین و استالین و مائوسه تونک و موریس توریز و امثال آنها میباشد . آن ده درصد بقیه هم که بقلم رهبران و نویسندگان حزب منحل توده است کاملاً مطابق مفهوم و اسلوب کمونیستی نوشته شده است مثلاً کتاب " جامعه را بشناسید " نگارش احمد قاسمی یا کتاب " تحولات سیاسی " نوشته راوندی کاملاً مطابق اصول کمونیستی است " ص ۱۰

اینک چند قطعه از زبان رسمیهای برخی از افسران عضو حزب توده ایران از روی همان " کتاب سیاه " :

سؤال از ستوان محمد باقرزوله : " حزب منحل توده از چه رژیم و سیاستی پیروی میکرد . شماچه تشخیص میدهند ؟

جواب : " از رژیم سوسیالیستی و کمونیستی " ص ۴

سؤال از سروان فیاض : " منظور از این مباحث در سازمان و حوزه چه بود ؟ " جواب : " آشنا کردن افراد برابریست " ص ۴

بازجویان در باره ستوان یکم منوچهر مختاری کلیایگانی چنین مینویسند : " باسرمایه داری و سلطنت مخالف است و هدف نهایی آن بر قراروی سوسیالیسم و کمونیسم است " (ص ۱۷) . سرگرد وکیل در بازجویی میگوید : " بطور خلاصه کتابهایی مورد مطالعه افسران قراروی گرفتند بیشتر مارکسیسم لنینیسم را به آنها میاموخت " (ص ۱۸)

انقلابی نمایان مینویسند که عناصر مارکسیست - لنینیست در حزب توده پرورده میشدند ولی خود حزب و حزب خورد پیروانی بود ! این دیگر کمال نادانی گروهی را میسازد که چپ و راست دم از مارکسیسم - لنینیسم میزنند اما بر خورد سطحی و مفرضانه با واقیسات دارد .

ب - همیار دیگر حزب طبقه کارگر در ایران در زمینه سیاسی مبارزه بیکدیگر در راه منافع خلق و بروضه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است -

انقلابی نمایان مدعی اند که " حزب توده ایران هرگز یک مشی انقلابی در قبال انقلاب ایران نداشته است و طبیعتاً . . . نمیتوانسته است داشته باشد " .

ما نمیخواهیم اشتباهات حزب توده ایران را در مبارزات سیاسی بهوشانیم . در این مورد سازمان ما تحلیلهایی کرده و خواهد کرد ولی مطلب مسلم اینست که سیاست حزب توده ایران منوجه بسیر انداختن رژیم ارتجاعی و امپریالیسم از ایران بود و اعتقاد داشت که - بقول دکتر ارنانی - " فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده باشد " .

سرهنگ سیامک در جواب بازپرس میگوید : " انجام کارها برتیرا برای آن بود که در صورت امکان حزب توده بتواند هسته مقاومتی تشکیل دهد در مقابل دولت " (کتاب سیاه ص ۲۴)

کتاب سیاه از قول سرگرد وکیل میگوید که برنامه تعلیماتی نظامی حزب عبارت بود از " اسلحه شناسایی تفنگ ، اسلحه کمری نارنجک و حررات دفاع از خود ، کمکهای نخستین ، حفاظت انفراک و طرز پوشش و تغییر محل " (ص ۲۴)

از سرگرد کللی سؤال میشود : " بنظر شما منظور از این تعلیمات نظامی که با افراد غیر نظامی حزب منحل توده داده میشد برای چه بود ؟ چمنوع تعلیمات نظامی چه موادی داده میشد ؟ و وی پاسخ میدهد : " منوع تعلیمات رژیم انفردادی رژیم در صحرای شب و روز) و اسلحه شناسی بود . منظور از تعلیمات نظامی ، مورد اجراء گذاردن یکی از اصول احزاب انقلابی بود که باید دارای ارتش انقلابی باشد که در شرایط مناسب میتواند از آن بتمع ملکت یا بر علیه حکومت وقت قیام کند . . . " (ص ۲۵) تمام اینها حقایق است که حتی در دشمن را نیز باخترای و داشته است . حقایق است که حزب توده ایران در گذشته در رای جهان یعنی مارکسیسم - لنینیسم و خط مسی انقلابی بوده است . انکار واقیسات باین روشنی در حکم همکاری با ارتجاع و پشت پا زدن به سنت انقلابی خلق ایران است .

ج - همیار دیگر حزب طبقه کارگر ساختمان آن بر اساس مرکز دموکراتیک است - همین امر که حزب توده ایران جهان یعنی علم و خصلت انقلابی داشت ، در بین توده های زحمت کش نفوذ کرد ، انضباطی بوجود آورد که کارها و اعضایش تا دم مرگ هم آنرا نقره نمیکردند و افرادی مانند شومتری ها و وارثان هاد ریزر شکجه جان میدادند و به حزب خود وفادار میماندند دلیل وجود مرکزیت دموکراتیک و وحدت اراده و عمل در حزب توده ایران است . مسلماً اشتباهات بزرگی از این حیث در حزب توده ایران بوده است ولی کدام سازمان و حزب سیاسی است که کار کند و اشتباه و نقص نداشته باشد

اگر امروز حزب توده ایران براب روزیونیسم در عطفیده و طبقه ماست که در نقش ظریف بخش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دون را بر افرازم و حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران احیا کنیم - این وظیفه خطیر در دستور کار سازمان توسان قرار دارد .

تعمیق انشعاب . . . بقیه از سر کشورهای روزیونیستی را همچنان بصورت مناطق نفوذ نگاه دارند و بعد اخلاص خویش و این کشورها صورت قانونی بدهند و احزاب روزیونیست دیگر را بزناده خود میدل سازند ؟ آنها میخواهند با تشکیل کنفرانس مسکو اینگونه وانمود سازند که اردوی روزیونیسم تحت قیادت آنها بودت و یکپارچهگی رسیده و این نمای وحدت را برای بند و بست با امر یالیسم آمریکا و چانه زدن بر سر مناطق نفوذ مورد استفاده قرار دهند .

بعیجت نبود که روزیونیستهای شوروی برای کشاندن هر چه بیشتر احزاب روزیونیست به این کنفرانس از هیچ وسیله ای دریغ نکردند آنها به فشار و تهدیدها تا زور ورشی و تزویز حتی مانند سردمدار خود خروشچف به دوره گردی توسل جستند . در سندی که تنظیم کرد از چین و آلبانی سخنی بمیان نیاورند و تجاوز به چکسلواکی را که یکی از گرگهای اختلاف بود مستر که اشتباهات متعهد شدند که در کنفرانس علیه هیچ حزبی سخنی بمیان نیاید ، در امور داخلی دیکرامت اخله نشود . ایا جریان کنفرانس طی همین چند روز نشان داد که اینها همه جزمانور و تزویز چیزی نبوده است ، آنها در این شفرانس نوکران خود را به حبله و هجوم به خلق چین و رهبر لیر آن مائوسه دون واداشتند روزیونیستهای شوروی سالهاست تحریکات و حملات علیه جمهوری توده های چین و آلبانی را شعار خود ساخته اند از آنها جز اینم نمیتوان انتظار داشت . وجود این دو ر سوسیالیسم جهانی و کمونیسم پیوسته ضرات خورد کنند های بر پیکر روزیونیسم و پیروز روزیونیستهای شوروی وارد میاورند . در حکم ورشکستگی و نیستی روزیونیسم است از اینرو مبارزه علیه این دو مرکز انقلاب جهانی یکی از پایه های سیاست خارجی امروزی شوروی است حملات سران روزیونیست در کنفرانس مسکو نمودی از این سیاست است .

روزیونیستهای شوروی در سندی که باید بتصویب شفرانس برسد با پیش کشیدن " تشدید خصلت تجاوزکارانه امپریالیسم " در واقع میخواهند تجاوز خود را به چکسلواکی و تجاوزات نظیر آنرا در آینده به کشورهای دیگر موجه جلوه دهند آنها به بها اینکه احزاب کمونیست تنها در برابر طبقه کارگر خود بلکه در برابر پرولتاریای جهانی نیز مقاومت دارند و با مظاهمی از نوع " حق حاکمیت محدود " کشورهای سوسیالیستی ، " دیکتاتور بین المللی پرولتاریا " ، " بخترافان منافع سوسیالیسم " و غیره در واقع میخواهند سلطه خود را بر کشورهای روزیونیستی هم چنان حفظ کنند و سیاست و اقتصاد این کشورها را بسود خود بچرخانند . تجاوز به چکسلواکی و تحولاتی که با دست روزیونیستهای شوروی در این کشور روی داده و میدهد بهترین گواه بر این امر است . این سیاست شمهای از آنچه که روزیونیستهای شوروی خواستند و شفرانس مسکو را وسیله نیل بان می شمرند .

امسار در مقابل احزاب کمونیست کشورهای روزیونیستی ، کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری هدف دیگری را دنبال میکنند . خواست آنها اینست که خود را از زیر بار قومیت شوروی بیرون کنند یا با تن دادن به خواست های دارودسته روزیونیستهای شوروی در عوض کمک و امتیازات بیشتری بآوردند . روشن است که از چنین جمعی که در آن هرکس بقل منافع خویش است هیچ چیز اصولی بیرون نخواهد آمد تنها کاری که شرکت کنندگان در آن میتوانند بکنند سازش است . اختلافاً همچنان باقی خواهد ماند و تشدید خواهد شد - هرگز توده انتظار دیگری از دنیای روزیونیسم انتظار بیبوهی است .

روزیونیستها ممکن است این جلسه را بیپایان آورند ؛ ممکن است جلسات دیگری نیز تشکیل دهند ولی سرنوشتی جز شکست و ناکامی در انتظار آنها نیست . آینده از آن مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوسه دون ، از آن انقلاب خلق ها ، از آن دورنمای فروزان سوسیالیسم و کمونیسم است .

عنوان جدید مکتوبات :
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی :
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

درد پر شور و افتخار بر زندان سپاسی

کفتاری از راد یونیرانا (آلبانی) جنبش دانشجوئی در مبارزه ضد سرمایه داری

حقایق و انکار نکنید

در اثر حملات متفرقی که بویژه رماههای اخیر از طرف روزیرنیستها و دسته ای از انقلابی نمایان بر سازمان توفان صورت میگردد ملاحظاتی بنظر دفاع از مواضع مارکسیستی - لنینیستی سازمان وارد شده گفتا سفاکانه روزنامه توفان کنجایش همه آنها را ندارد . در ایسن شماره به تلخیص یکی از آنها اکتفا میکنم .

... در مورد انقلابی نمایان در شماره های ۱ و ۲ ماهنامه توفان و در " نامه به رفقا " توضیحات لازم داده شده است . من در اینجا میخواهم فقط در مسئله " احیاء " یا " ایجاد " حزب طبقه کارگر ایران بیا آوری بعضی از واقعیت بپردازم . سازمان ما بر آن بوده و هست که بررسی گذشته فقط بخا آنست که بر راه حال و آینده پیرو افکند و مبارزان را با روشنی بیشتر بسرمونزل مقصود برسانند آنکه ماراد خود فریب دراز مبارزه باز دارد . ولی انقلابی نمایان این نظر صحیح توفان را به یاد خوه گرفته و نوشته اند که " توفان که طرح طلب باین ترتیب لاش نیست جا رو جنگال راه میانه از به عوام فریبی میکند که بعلمه بگذاشته چسبیده اند " ... همه میدانند که سازمان ما همیشه برخورد نقادانه با کتد احزاب سیاسی ایران بخصوص حزب توده ایران داشته است . برخورد توفان برخوردی است سازنده ولی برخورد انقلابی - نمایان برخورد بیست خصمانه ...

ما معتقدیم که حزب توده ایران پیش از افتادن در روزی که حزب طبقه کارگر ایران بوده است زیرا که بنظر ما معیار اصلی حزب طبقه کارگر سه اصل عمد است که در حزب توده ایران نیز علی الاصول برقرار بود : الف - پیروی از مارکسیسم لنینیسم بنحیه ایدئولوژی - انقلابی نمایان میکنند " این دروغ محض است " . زیرا که آنها پیروی از مارکسیسم - لنینیسم را امری تشریفاتی و مربوط بپوشش روی کاغذ میدانند نه کار درین توده های بر اساس مارکسیسم - لنینیسم . اما اگر حزب توده ایران مورد آنچنان تعقیب سیمانه ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفت برای آن بود که صمیمانه بدنبال مارکسیسم - لنینیسم میرفت در کتاب " سیاه " که رژیم کودتا بر ضد حزب توده ایران انتشار داد چنین میخوانیم : " در حقیقت با هزاران دلیل ثابت و مسلم است که حزب منحل توده برحیث یک حزب کمونیستی است " و " هر فردی که وارد حزب حله توده میشود از همان دقیقه اول با نظم و ترتیب خاص تحت تعلیم افکار کمونیستی قرار میگردد " ، " در حوزه های رسمی اصول کمونیسم با وضوح و صراحت تعلیم داده میشود " صفحه ۹ . انقلابی نمایان مینویسند که : " نه تنها در مراسم اول حزب مصوب کنکره اول (۱۳۲۳) بلکه حتی در مراسم دوم که در کنکره دوم (۱۳۲۷) صحیحی از مارکسیسم - لنینیسم به عنوان ایدئولوژی حزب نیست " . ولی در همان " کتاب سیاه " چنین نوشته شده است : " حزب منحل توده در بدو تأسیس خود مراسم و برنامه ای را اعلام کرد که ظاهراً مطابق قانون اساسی و سلطنت مشروطه ایرانست ... ولی این برنامه از همان آغاز امر جز برده ای برای پوشاندن ماهیت کمونیستی این حزب و عملیات ضد ملی (البته بعقیده رژیم کودتا) و خلاق قانون آن چیز دیگر نبوده است " .

حتی سالها پس از سرکوب حزب توده ایران یکی از نخست وزیران رژیم کودتا (دکتر امینی) طی سخنرانی خود ماهیت گذشته حزب توده ایران را این طور یاد آور شد : " در این جنبش متشکل ترین دستجات حزب توده بود زیرا بیک ایدئولوژی جدا مجهز شده بود . حزب توده ایران اسلوب مبارزه و فعالیت خود را با توجه به روحیه اکثریت ملت و نسل جوان و روشنفکر تنظیم کرد ... " انقلابی نمایان باز مینویسند : بقیه در ص ۳

جنبش دانشجوئی که دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و دانش آموزان در آن شرکت دارند در بسیاری از کشورها رو توسعه است . نقش عینی تاریخی اعتصاب هتسا و نمایش ها و برخورد دانشجویان با نیرو های پلیس بر حسب اوضاع و احوال هر کشور تغییر می پذیرد . در فرانسه جنبش دانشجویان که در ماههای مه و ژوئن بر راه افتاد و با اعتصاب همگانی طبقه کارگر پشتیبانی شد رژیم دوکل را که در میان مالک سرمایه داری اروپا بعنوان یکی از محکومین و استوارترین رژیم مشهور بود از پایه تکان داد .

هیچکس نمیتواند در باره نیرو و دامنه جنبش دانشجوئی تردیدی بخاطر راه دهند . در ایتالیا ، آلمان غربی ، ژاپن ، اسکاتلند نیازی به امریکه بلوک و پرتغال ، اسپانیا ، انگلستان ، ایرلند در همه جا به جنبش ها و اقدامات دانشجویی بر میخوریم که هدف های آنها مختلفه شرایط کمترین آنها متفاوت و شکل های آنها متنوع است . پس این سؤال پیش میاید که : چرا این جنبش در مقیاس جهانی برانگیخته شده است ؟

این جنبش بدون تردید صرف نظر از عقاید مختلفه و غالباً متضادش ، بیانی است از مخالفت خود بخود جوانان دانشجو در مقیاس بین المللی با استثمارها ستیم تا هم خلاق معنوی و فرهنگی جامعه بورژوازی که نتیجه مناسبات تولید سرمایه داری در مرحله عالی آن یعنی امپریالیسم میباشد . این جنبش اعتراضی است از طرف جوانان مالک سرمایه داری بر ضد خطر بیگاری بر ضد فاشیسم و بر ضد تهاجم امپریالیستی . دانشجویان به تهاجم بر ویشتام اعتراض میکنند زیرا که تهاجم مذکور - خواه خسوس دانشجویان شرکت مستقیم در آن کشانده شوند یا نشوند - وجدان آنها را بر آشفته میسازد . دانشجویان به شورش بر ضد امپریالیسم و سرمایه داری بر میخورند زیرا که امپریالیسم و سرمایه داری زاینده جنگ و تجاوز است و میکوشد تا دانشجوین تشکیلین و کار بر برای خدمت بسرمایه ترتیب کند . دانشجویان سر بطعمیان بر میدارند وقتی که از یک سو تهرت های هنر کتی میوند میلیتاریستها و جنگ پیشگان بهدر میروند و از سوی دیگر بودجه بهد اشت آموزش و دانش و هنر بیسنا چیز است .

دانشجویان با اقدامات دلیرانه ای مبارزت میجویند ، عمارا مدارس را اشغال میکنند ، به تظاهرات خیابانی نرورند میرد آژ کینه خود را نسبت به سیستم امپریالیستی و نیروی اصلی آن که امپریالیسم آمریکاست ابراز میدارند ، بهر ضد انقلابی را با قهر انقلابی روبرو گردانیده به ساختن باریکاد دست میزنند و خون خود را در مقابل با پلیس نثار میکنند . این امر دارای اهمیت خاصی است زیرا که اعتلا تئوری به جنبش طبقه کارگر داده است . طبقه کارگر از پاسیفیسم خرد بورژوازی ، از بند پوست های اسارت بار با کار نمایان و دولت و از قانونیت بورژوازی حکمیت و از صلح اجتماعی که توصیه سوسیال دموکراتها و روزیونیستها و بورژوازیهای سند یگانی میباشد روگردان میشود و در تگابوی آنست که مبارزه طبقاتی را دوباره ارتقا بخشد .

جنبش دانشجوئی کشورهای سرمایه داری و شعار انقلاب و شعار تخریب دولت سرمایه داری را از توبه پیش کشیده است و مبارزه دانشجویان ثابت میکند میتوان با نیروهای دولت بورژوازا بمقابله برخاست و بر آنها غلبه کرد . هرگز نباید این مطلب کم بها داد . جنبش دانشجوئی در اول ملان است آمیزه ای از عقاید متضاد و آنتاگونیست در نظر آید . این جنبش شامل گروههای فراوانی است که تئوریهای مختلفی را مطرح میسازند . در دانشگاه ها کلیه اشکال معروفی ترسیسم ، آنارشیسم ، روزیونیسم ، سوسیال دموکراسی دیده میشود که همه پیروان آنها خود را صمیمانه انقلابی میدانند و جوانانی هستند که واقعا و صدیقانه میخواهند تمییزی انقلابی در بنامه بوجود آورند . دولت سرمایه داری سلاح های تبلیغاتی خود را بکار میبرد و از تمام نیروی خویش استفاده میکند تا بر این آشفتنی بیافزاید .

بورژوازی انحصاری در اجرای سیاست تفرقه بینداز حکومت کن تجربه ای طولانی دارد . وقتی که بورژوازی انحصاری رهبر یکی از گروههای را علم میکند که از جانب آن ها خطری واقعی متوجه وی نیست و بنظرهای عوام فریبانه هالای از شهرت برای آن رهبر میآفرینند و او را پیشوای جنبش معرفی میکند هدفش اینست که جنبش را از راه بدر برد و بیهدی گرداند . در مطالعه حال آشفتنی ایدئولوژیک جوانان دانشجو باید دو عامل اصلی را در نظر گرفت :

۱ - منشاء طبقاتی اکثریت عظیم توده دانشجویان بورژوازی و خرد بورژوازی است . از آنجا که هدف آموزش عالی در مالک سرمایه داری به ترتیب کارها بر دانشمندان و تکنسین ها برای اداره دولت سرمایه داری است پسران و دختران طبقه کارگر در اثر مواضع اجتماعی مالی عملا از دانشگاهها بر شام میمانند و طبقه انحصار دار فراموشا گاملا مراقب است که ایدئولوژی او در موسسات آموزشی فراموشا باشد .

۲ - رشد نظریات خود بخود شورش و اعتراض با رشد درک علمی مارکسیستی - لنینیستی و رشد ایدئولوژی پرولتاریا کف فقط آن میتواند جنبش انقلابی را بسوی سرنگونی ماشین دولت سرمایه داری و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بوجه موفقیت آمیزی رهبر شد بگی تفاوت دارد .

ولی در دنیای کنونی ، آشفتنی ایدئولوژیک بیشتر دارای جنبه صوری است تا جنبه واقعی . در واقع فقط در ایدئولوژی اصلی وجود دارد : یکی مارکسیسم - لنینیسم و دیگر سایر جریانات ایدئولوژیک بورژوازی که عبارتند از روزیونیسم ، آنارشیسم ، ترکیسم سوسیال دموکراسی و نظریه صیحا سرمایه داری که میتوان آن را در زیر عنوان ایدئولوژی امپریالیستی خلاصه کرد .

فقط مارکسیسم - لنینیسم میتواند جنبش انقلابی را بسوی پیروزی بر دشمنان امپریالیست وی رهبری کند . مسائلی که دانشجویان را با اقدامات خود بخود و میدارد و موجب پیوستن آنها به نهفت طبقه کارگر و اعتصابات و اعتراضات وی میشود جز با پیروزی انقلاب پرلترتی قابل حل نیست . از اینجهت مارکسیستها - لنینیستها بقیه در ص ۳

بناسبت حملات که بر روزیونیستها و شرکا به سازمان توفان :
مورد حمله دشمن قرار گرفتن امر خوبی است ، نه بد
« علت اینکه دانشگاه دکان ده مدرسه نظامی پراختاری است ، قطبان نیست که از پشتیبانی و تحسین اکثریت مردم برخوردار است ، بلکه بدین جهت است که تسلیم طبلان و کجته پرستان با شدت تمام بدان حمله میکنند و آنرا بیاد تهمت و افترا میگیرند .
من معتقدم که برای ما - چه برای یک فرد ، یک حزب ، یک واحد ارتش و یا یک مدرسه - ناپسند است اگر مورد حمله دشمن قرار نگیریم ، زیرا در آنصورت چنین مفهوم میشود که ما با دشمن زد و بند کرده ایم . این امر خوبی خواهد بود چنانچه ما مورد حمله دشمن واقع شویم ؛ زیرا خود دلیلی است بر اینکه ما با دشمن و دشمن مزدقی کشته ایم ، بخصوص بهتر خواهد شد اگر دشمن حملاتش را علیه ما شدیدتر کند و ما را به تیره ترین رنگها بیا لاید و از هیچ عملی نسبت بما کوتاهی نرورد ؛ زیرا این خود نشاندهنده آنستکه ما نه تنها میان خود و دشمن مزدقی کشته ایم ، بلکه در کارمان نیز موفقیت های درخشانی پست آورده ایم . »

مائو تسمه دون